

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ جولای ۲۰۲۲

ملا انصاری فرمان کشتار تمام مردم کشور را صادر کرد!

شنبه- ۱۱ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: ناظم ملاسالار سرانجام بعد از دو روز روی گرفتن از مردم و پنهان کاری، امروز در آخرین روز تجمع دشمنان مردم افغانستان، با اعلام یک قطعنامه در ۱۱ ماده، ختم تجمع بی دردان بیگانه به وطن را اعلام داشت. در یادداشت امروز مکث کوتاهی به فرمانی که از طرف جلسه علیه تمام مردم افغانستان و تجویز کشتار آنها صادر شده است، خواهیم داشت:

همان طوری که قبلاً نیز نگاشته ام این جلسه هیچ ربطی به مردم افغانستان ندارد، جلسه ای بود متشکل از چند طالب و یا سگ طالب، که از حقوق خود استفاده نمودند، دور هم جمع شدند، فیصله هائی نمودند و تعهد هائی کردند. فیصله ها و تعهد های شان هم فقط خودشان را ملزم به رعایت آنها می نماید و به مردم افغانستان در کل هیچ ربطی ندارد. از همین رو با قاطعیت اعلام می داریم که خود را ملزم به رعایت هیچ یک از مواد یازده گانه ندانسته، در حد توان خواهیم کوشید تا با به زیر کشیدن نظام ملاسالار طومار ننگین فیصله های امروزی شان را نیز در همسوئی با مبارزات مشترک و آگاهانه خلق ما، راهی زباله دان تاریخ نماییم.

هموطنان گرامی!

از آن جایی که یکی از سخنگویان هتاک و بی آزرم جلسه، ملا "مجیب الرحمان انصاری" بود و نا مبرده نه یکبار بلکه چندین بار با باغی خواندن مخالفان نظام ملاسالار، همه را یعنی تمام ملت افغانستان را که نمی خواهند ننگ اطاعت از نظام ملاسالار را در کارنامه حیات شان داشته باشند، واجب القتل و مباح الدم اعلام داشت، برای این که مردم بدانند که باغی و بغاوت چیست و طالب و نظام ملاسالار چگونه از مفاهیم قرآنی سوء استفاده می نماید، توجه تان را به این نکته جلب می نمایم، اما از قبل بنویسم که مخالفت با کاربرد این کلمه به هیچ صورت بدان معنا نیست که گویا بقیه قطعنامه مورد تأییدم قرار دارد.

بغاوت در لغت به معنای خواستن چیزی است، چنانچه خداوند از قول موسی(ع) چنین می فرماید «قال ذلک ما کنا نبغ» یعنی این همان بود که ما در پی آن بودیم.

ودر اصطلاح عبارت است از سرپیچی از فرمان کسی که "ولایت امرش" ثابت است. ویا عبارت است از خروج به ناحق علیه "ولی الامر بحق"، یعنی باغی کسی است که از فرمان "ولی الامر بحق"، علی رغم بیعت اولیه، بناحق سرپیچی کند.

بدر نظر داشت این تعریف و اصطلاح فقهی، دیده می شود که از نظر اسلام اصولاً بغاوت تابع سه شرط می گردد:

*- بیعت اولیه و خروج و سرکشی از آن؛

*- "ولی الامر بحق"، یعنی کسی که مشروعیت و قانونیت ولایتش را از تأیید جمهور مردم گرفته باشد؛

*- خروج ناحق.

هموطنان گرامی!

حال می بینیم که آیا این سه شرط در قسمت حاکمیت ملاسالار وجود دارد تا بتوان کسی را "باغی" و عملش را بغاوت نامید و یا خیر؟

*- از آن جایی که هیچ کسی در افغانستان نه به نظام ملاسالار بیعت نموده و نه هم به "امیر غایب" آنها تا بتوان خروج از بیعت را تعهد شکنی و بغاوت نامید، لذا خیزش و مبارزه علیه باند جنایتکاران و دزدان مسلحی که بر خانه و کاشانه ما مسلط شده از ما اطاعت می خواهند، نه تنها بغاوت نیست بلکه همانطور که خواهیم دید، بزرگترین جهاد نیز به شمار می آید؛

*- همه ما می دانیم که حاکمیت کنونی یعنی نظام ملاسالار هیچ نوع مشروعیت و قانونیتی که بر تأیید مردم استوار باشد ندارد، بلکه نظامی است که امپریالیسم امریکا با شرکاء و ارتجاع منطقه، آنها را به خاطر تحقق نقشه های خودشان بر گرده مردم سوار نموده، از بدو تولد تا امروز فاقد مشروعیت و حمایت مردم می باشند این که در یک کشوری که حدود ۴۰ میلیون جمعیت دارد، ۴ الی ۵ هزار ملا و مفت خور جمع شوند و روی الزامات معینی از گرفتن رشوت تا ترس از بازداشت به وسیله طالب، اطاعت از این جنایتکاران را واجب شرعی اعلام بدارند نه از نظر اسلام، نه از نظر عرف و نه هم از نظر قوانین ملی و بین المللی چنین فیصله ای هیچ نوع اعتباری ندارد؛

*- و اما اصل خروج بناحق. از آنجایی که دو شرط اول در مورد نظام ملاسالار وجود ندارد، لذا خروج در مقابل خواسته های زورگویانه، ضد انسانی، ضد ملی و وطنفروشانه آنها نه تنها خروج و بغاوت شمرده نمی شود بلکه به استناد حدیث **أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان [امام] جائر** جهاد و مبارزه در راه حق و اعتلای کلمه الله شمرده شده، انجام آن واجب شرعی بالای هر مؤمنی که توانش را داشته باشد، می گردد.

هموطنان گرامی!

از نخستین روزهایی که اسلام سیاسی و استفاده ابزاری از اسلام به وسیله باندهای اخوانی در افغانستان راه یافت، تا به امروز تمام داعیان اسلام سیاسی در هر شکل و قیافه ای که ظاهر شده اند، تلاش نموده اند تا جنایات شان را ملبس به اسلام نموده از آن طریق حاکمیت های ضد ملی و ضد انقلابی شان را استوار نمایند. برماست تا بدانیم که اطاعت از این جنایتکاران و وطنفروشان، نه تنها واجب شرعی نیست، بلکه برای تمام آنهایی که مسلمان اند، چنین اطاعتی مستقیماً زیرپای نمودن دساتیر اسلام نیز می باشد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!